

فراخوان

نهضت جامعه مدنی افغانستان

انتخابات ریاست جمهوری سال 2009 میلادی آزمونی بزرگ در افغانستان

انتخابات ، پذیرفته شده ترین میکانیزم عادلانه برای تجلی اراده و حضور یک ملت در امر تحقق آرزوها و تعیین سرنوشت آن در هر دموکراسی است.

سزاوار است تا قبل از آنکه به خود انتخابات و چگونگی عملیه برگزاری آن بپردازیم ، اندکی به وضعیت و شرایط اجتماعی و سیاسی که قرار است انتخابات در اتمسفر آن برگزار شود مکتبی نماییم.

تجربه بشریت معاصر ، نشان داده است که انقلابات اجتماعی (انقلابات اروپا و امریکا در قرن هجده و نوزده) برزمینه های مشخص و معین تاریخی؛ فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی بصورت تدریجی و قانونمند بوجود مییاید و آرام آرام منتج به تغییرات بنیادی نظام های سیاسی میشود.

تجربه دومی نهضت های استقلال طلبانه و آزادی بخش ضد استعماری است که از اواسط قرن 19 میلادی در آسیا و افریقا و امریکای لاتین بر علیه سلطه استعمارگران خارجی شکل میگرد ، البته متفاوت با انقلابات پیشرفته بورژوایی که منجر به تغییر نظامهای سیاسی میگردد.

باز ، پس از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در دهه نود قرن بیستم ، تجربه دیگری به تجربه ملتهای جهان اضافه می شود. این تجربه فصل جدیدی را در مناسبات جهان می گشاید؛ موجبات تغییرات شگفتی در حیات سیاسی و اجتماعی ملتهای اروپای شرقی و آسیای میانه را فراهم می سازد . کشور های سُرخ و

منزوی نگهداشته شده ، از بحیره انترناسیونالیسم به اقیانوس ناسیونالیسم سرازیر می شوند .

یک تجربه دیگر ناشی از تغییر شرایط جهانی در آغاز قرن بیست و یکم است و آن تجربه ایست که پس از 11 سپتامبر 2001 میلادی در کشور خونچکان خود ما و با تفاوتی در عراق شاهد آن هستیم.

در افغانستان ، الزامات ناشی از شرایط بوجود آمده پس از 11 سپتامبر؛ باعث تغییر نظام سیاسی گردید؛ هرچند ما تجربه های اندک ، ناپخته و کم عمقی از ریفورم های سیاسی را در گذشته نیز داشته ایم ولی هیچگاهی تجربه ی انتخابات ؛مطبوعات آزاد ؛احزاب سیاسی ومؤسسات مدنی رابصورت امروزی آن نداشتیم.این تغییر آنی و دراماتیک طوری واقع گردید که جامعه افغانی آمادگی سیاسی لازم رابرای آن نداشت و ناگهان خود را در برابر جریان توفنده ای تاریخ یافت که بعلت شنای متناوب در دریای خون وضخامت استبداد طالبی ، به استقبال ناشناخته ای مردم افغانستان مواجه شد .

خستگی وبیزاری مردم از سه دهه جنگ وبحران ، چشمهای ملتهب شان را به رژیم پساطالبی ، امیدوار ساخت . افق انتظارمردم ، بسوی رفاه و خوشبختی ، تامین صلح و حاکمیت ملی باز گشته بود .

مردم ما در اولین انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی دقیقاً در همان مرحله ای از کار قرار داشتند که راه را برای اعاده حاکمیت خود هموار سازند؛ ملت افغانستان قدم اول را امیدوارانه برای آن برداشت تا پس از سه دهه خشونت رژیمهای توتالیتر ایدیالوژیک وتنظیمی اولین دولت متعارف و شایسته را چنان انتخاب کند که بوسیله آن به صلح و سرفرازی و خوشبختی برسد .

ملت افغان با پشت سر گذاردن انتخابات قبلی ، اینک در پله آزمایش انتخابات دوم قرار دارد . از روشنفکر مستقل تا احزاب ، از دهقان تا دکاندار ، از چوپان تا مامور ، از کارگر تا متخصص ، از تجربه انتخابات اول میاموزند ، وعده ها و واقعیات را سبک و سنگین میکنند و اینبار با آمادگی صیقل خورده ، با چشمهای باز و گوشهای مجرب به پای صندوق ها میروند .

دومین انتخابات یعنی رفتن بسوی **تغییر** وارد کردن در مناسبات **قدرت** است ، به هیچ وجه نباید از فرصت پیش آمده یعنی زمینه برای بر داشتن قدم دومی غفلت شود ، دومین انتخابات یعنی درسهای تجربه شده را به نمایش گذاشتن

است. انتخابات، نخستین چوب نردبان دموکراسی است، رأی دهندگان با شناخت از پله های این نردبان است که به نقش تحول آفرین خود، امیدوار میگردند.

حال که این نظام را داریم باید از آن حفاظت و حمایت کنیم، و ارزشهای آن از جمله انتخابات را جدی بگیریم، اجازه ندهیم کسانی این نظام و ارزشهای آن را بنفع شخصی خود استفاده نمایند، نباید گذاشت؛ مجال توطیه پیدا کنند و این فرصت را باز هم از مردم ما بگیرند.

متأسفانه عدم موجودیت خط مشی روشن و واقعاً ملی سازمان یافته و شکل گرفته از درون جامعه افغانی و باز احزاب و سازمانهای نیرومند ملی باعث شده تا این خلاء بوسیله اشخاص و گروه های میدان دار در دوران بحران و محافل قومی، مذهبی، بصورت کاذب پر گردد. نیروهایی که همواره جامعه را از کوچه های باروت و شهربان های خون عبور داده است، نیروهایی که مردم را به جای خورشید بسوی سیه چال برده است، به جای آب های زلال به سراب های مبهم کشانده است.

لذا در وضعیت کنونی در برابر ما این سوال قرار دارد که به این کمبود و خلأ چگونه میتوان پاسخ یافت و چگونه به این خط خونین با برگه های رای، نقطه پایان گذاشت؟

در قدم نخست کمبود رهبری ملی و عدم هماهنگی میان احزاب و حلقات مردمی زمینه را برای سبقت و تسلط نیرو های منفی مساعد ساخته، جامعه باید از این دور و سیکل معیوب خارج گردد، بمنظور دست یافتن به این خواست با شناخت از وضعیت بحرانی کشور به دو شیوه کار ضرورت داریم که خوشبختانه شرایط و مواد لازم کار برای انجام هر دو کار مساعد است.

اول: اگر ابزار لازمه تطبیق دموکراسی در یک کشور وجود احزاب و نهاد های مدنی باشد، خوشبختانه احزاب و نهاد های ملی و مدنی را داریم که سهولت و زمینه لازم را برای عملی کردن این خواست فراهم میسازد، پس آنچه که ضرورت داریم هماهنگی میان این نیرو هاست.

دوم: معضله رهبری ملی،
انقطاب و تشتت، آفتی ست که روشنفکران جامعه به آن دچار گردیده اند،

نبود رهبری ملی، مسیر این پراگندگی را عمیقتر میسازد. خوشبختانه که در فضای موجود زمینه برای یک رهبری با درایت ملی مساعد گردیده است. این رهبری می تواند نیرو های سالم را تحت یک داعیه و آرمان مشترک هماهنگ و متشکل سازد.

برای این کار ابتدا از مجموعه این نیروها و شخصیت های مستقل و مؤثر تقاضا شود تا تعدادی را برای آماده شدن در سطح ملی برای رهبری معرفی کنند، سپس از میان این شخصیت ها یک فرد شان که در کوتاه مدت شرایط لازم را برای ایفای نقش رهبری در سطح ملی دارد با توجه به ظرفیت افغانستان شمول که عبارت است از بر خور داری از دانش، تجربه، تعهد و حسن سابقه، فارغ بودن از تعلقات ایدیالوژیک، قومی و تباری و مذهبی و دارای شهرت لازم در سطح ملی باشد به حیث کاندید مشترک در انتخابات ریاست جمهوری معرفی و حمایت شود در عین حال دو معاون و حتی تعدادی از اعضای کابینه آینده به حیث تیم رهبری معرفی گردد. (البته روشن است که وزرا از ملت بصورت مستقیم رای نمی گیرند هدف تیم رهبری است) تا از تمام اقشار و گروه های اجتماعی و سیاسی نمایندگی صورت گیرد و این اشخاص دارای تخصص و تجارب لازمه در عرصه های مختلف نیز باشند تا به نیاز های بحرانی جامعه پاسخ داده بتوانند.

لذا به تمام افراد و حلقات ملی و وطن دوست لازم است تا با هماهنگی اجتماعی سیاسی از زمان و زمینه ای موجود حد اکثر استفاده را به عمل آورند، تا دیر نشده مکانیزم و چار چوبی را برای گفتگو های سازنده ملی معین سازند، سپس این گفتگو ها را بصورت منظم و مستمر ادامه دهند، متأسفانه تاریخ گواهی میدهد که عدم هماهنگی میان جریانات، شخصیت های صادق و لایق ملی باعث شده تا افراد و حلقات ارتجاعی و استخباراتی این خلاء را پر کنند.

برای آغاز گفتگو های اولیه لازم است تا چارچوب آرمایی را بصورت ساده و اولیه پیشنهاد کنیم!

الف: اعتقاد به کشور و ملت واحد یعنی کشور افغانستان و ملت افغان

ب: التزام کامل به قانون اساسی موجوده کشور

پ: اعتقاد به پلورالیزم سیاسی یعنی اجتماعی ساختن قدرت و بیرون کشیدن آن از انحصار حلقه‌های ایدئولوژیکی، انتیکی، و هرنوع تفوق طلبی های اجتماعی و سیاسی.

ج: اعتقاد به تحولات تدریجی و ریفرمیزم در چوکات دموکراسی

قدم دوم مکانیزم است که بوسیله آن این خواست عملی شده بتواند .

بمنظور تحقق این خواست نهضت جامعه مدنی افغانستان آماده است میزبانی دومجلس بزرگ را الی اخیر سال 2008 میلادی اولی را در اروپا به عهده گیرد مجلس دومی را در کابل سازماندهی کند تا امکان گردد هم آمدن شخصیت ها و نهاد هایی که از این طرح استقبال میکنند فراهم آید.

از تمام هموطنان گرامی (نیروها و شخصیت ها) که از این پیشنهاد استقبال میکنند صمیمانه تقاضا میشود تا سر از تاریخ اول ماه اکتوبر 2008 با نشانی داده شده تماس حاصل نمایند.

سید نظام الدین وحدت

رییس نهضت جامعه مدنی افغانستان

آدرس :

ایمل : sn_wahdat@hotmail.com

تلفون : 0031619043674